

Descriptive search on the impact of age, gender, and economic and social factors on crime With an emphasis on character-driven theories of criminology

Zahra Shamsizad¹

¹. Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

zahra.shamcizad@iau.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 13 November 2025
Accepted, Available online :
15 December 2025

Keywords:
Crime, prevention
punishment,
Personality
driven factors,
economic factors
social factors

ABSTRACT

Examine theories of personality in relation to criminal behavior. According to these theories, criminal behavior is associated with the presence of certain personality traits or specific criminal personality. Psychologists link personality to criminal behavior by examining the specific characteristics of the offender or categories of characteristics that drive him towards criminal behavior. It focuses on personality theories that try to explain the main characteristics of criminal orientation. This is where, with an emphasis on character-driven approaches, governments should control crime rates to normal levels. In this research search we are looking for an answer to this question with an analytical descriptive approach and using a documented and library method taking into account qualitative and quantitative studies is the impact of age gender and economic and social factors on crime debatable by emphasizing the personality based theories of individualist criminology. The answer seems positive even taking into account cultural and social factors, the role of the offender's personality in the The goat was very colorful. It can be concluded that the conversion of crime prevention approaches should range from single-dimensional criminal spending to multidimensional, the rotation of governments in reducing criminal costs at least in secondary delinquency, the welfare state model can lead to a decrease in crime statistics according to studies.

Cite this article. Shamsizad, Zahra (2025) Descriptive search on the impact of age, gender, and economic and social factors on crime With an emphasis on character-driven theories of criminology **Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**, 1(1).140-162



Publisher: Hamyar Jahed Publications.

جستاری توصیفی بر تاثیر سن و جنس و عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم با تاکید بر نظریه های شخصیت محور جرم شناسی

زهرا شمسی زاد^۱

گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

zahra.shamcizad@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تئوری های شخصیت را در رابطه با رفتار مجرمانه بررسی می کنند. بر اساس این نظریه ها، رفتار مجرمانه با وجود برخی ویژگی های شخصیتی یا شخصیت مجرمانه خاص مرتبط است. روانشناسان با بررسی ویژگی های خاص مجرم یا دسته هایی از ویژگی هایی که او را به سمت رفتار مجرمانه سوق می دهند، شخصیت را به رفتار مجرمانه مرتبط می کنند. نوعاً بر نظریه های شخصیتی تمرکز دارد که سعی می کنند ویژگی های اصلی گرایش جنایی را توضیح دهند. اینجاست که با تاکید بر رویکردهای شخصیت محور باید میزان جرم و جنایت را در حد نرمال دولت ها کنترل کنند. در این جستار تحقیقاتی با رویکردی توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از روش اسنادی و کتابخانه ای با در نظر گرفتن مطالعات کیفی و کمی در پی یافتن پاسخی برای این سوال هستیم علی الاصول تاثیر سن و جنس و عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم با تاکید بر نظریه های شخصیت محور جرم شناسی فرد گرایانه قابل بحث و بررسی است؟ پاسخ به نظر مثبت است حتی با در نظر گرفتن عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز می توان نقش شخصیت مجرم را در انجام بزه بسیار پررنگ تعریف کرد. می توان چنین نتیجه گیری کرد تبدیل رویکردهای پیشگیرانه از جرم باید از تک بعدی بودن صرف کیفری به چند بعدی، چرخش حاکمیت ها در کاهش هزینه های کیفری حداقل در بزهکاری ثانویه، مدل دولت های رفاهی می تواند به کاهش آمار جرم و جنایت با توجه به مطالعات صورت گرفته منجر گردد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش و انتشار:

۱۴۰۴/۰۹/۲۴

کلیدواژه ها:

جرم

پیشگیری

مجازات

عوامل شخصیت محور

عوامل اقتصادی

عوامل اجتماعی

استناد دهی: شمسی زاد، زهرا (۱۴۰۴). جستاری توصیفی بر تاثیر سن و جنس و عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم با تاکید بر نظریه های شخصیت محور جرم شناسی دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی، ۱۱(۱) صص ۱۶۲-۱۴۰



ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

مقدمه

میزان جرم و جنایت تحت تأثیر عوامل متعددی است که از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است. این عوامل را می توان به طور کلی به عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی دسته بندی کرد. درک این عوامل در توسعه راهبردهای موثر برای مبارزه با جرایم و تضمین امنیت و رفاه جوامع بسیار مهم است. عوامل فردی نقش بسزایی در شکل گیری نرخ جرم و جنایت دارند. ویژگی های شخصی مانند سن، جنسیت و سطح تحصیلات می تواند بر احتمال شرکت در فعالیت های مجرمانه تأثیر بگذارد. تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که مردان جوان، به ویژه آنهایی که سطح تحصیلات پایینی دارند، بیشتر مستعد ارتکاب جرم هستند. این را می توان به ترکیبی از عوامل، از جمله فشار همسالان، کمبود فرصت ها، و احساس بیگانگی از جریان اصلی جامعه نسبت داد. عوامل اجتماعی نیز در تعیین میزان جرم و جنایت نقش اساسی دارند. محیط اجتماعی که افراد در آن زندگی می کنند می تواند رفتار مجرمانه را تقویت یا از آن منع کند. سطوح بالای فقر، بیکاری و نابرابری به طور مداوم با نرخ بالاتر جرم و جنایت همراه بوده است. این شرایط محیطی را ایجاد می کند که در آن افراد ممکن است به عنوان وسیله ای برای بقا یا دستیابی به منافع مادی به فعالیت های غیرقانونی متوسل شوند. علاوه بر این، بی سازمانی اجتماعی، پیوندهای اجتماعی ضعیف و فقدان انسجام اجتماعی می تواند به ایجاد محیطی مساعد برای رفتار مجرمانه کمک کند. (Edwards, 2024, pp1-10)

عوامل اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با میزان جرم و جنایت دارند. نابرابری اقتصادی، دسترسی محدود به منابع و کمبود فرصت های اقتصادی می تواند افراد را به سمت فعالیت های مجرمانه سوق دهد. مطالعات نشان داده است که مناطق با سطح بالای بیکاری و محرومیت اقتصادی، نرخ جرم و جنایت بالاتری دارند. عوامل اقتصادی نیز بر انواع جرایم ارتكابی تأثیر می گذارد، به طوری که جرایمی مانند سرقت و کلاهبرداری در جوامع محروم از نظر اقتصادی شیوع بیشتری دارد. (Edwards, Previous source)

همگرایی شدید عوامل فردی و محیطی وجود دارد که بر گرایش جنایی تأثیر می گذارد. برای تضاد بیشتر و بررسی رویکردهای جایگزین، نظریه انتخاب عقلانی وجود هر نوع وجود دیگری غیر از وجود عقلانی محض را انکار می کند. اعمال با خواسته ها و اهداف یک فرد تحریک می شوند. تحقیقات قویاً نشان می دهد که هم عوامل فردی و هم عوامل محیطی مهم هستند که در بند سه نیز به آن پرداخته شده است. (Cantor, 2021) در این جستار تحقیقاتی با رویکردی توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از روش اسنادی و کتابخانه ای با در نظر گرفتن مطالعات کیفی و کمی در پی یافتن پاسخی برای این سوال هستیم علی الاصول تأثیر سن و جنس و عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم با تأکید بر نظریه های شخصیت محور جرم شناسی فرد گرایانه قابل بحث و بررسی است؟ پاسخ به نظر مثبت است حتی با در نظر گرفتن عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز می توان نقش شخصیت مجرم را در انجام بزه بسیار پررنگ تعریف کرد.

۱. ادبیات پژوهشی

- مقاله با موضوع: نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد. به قلم شهرام محمدی و دیگران که در سال ۱۳۹۷ در **فصلنامه تدریس پژوهی** به چاپ رسیده است در آن آمده است هدف این پژوهش بررسی راهکارهای اجتماعی پیشگیری از بزهکاری توسط خانواده، مدرسه و رسانه است. پیشگیری اجتماعی از مجموعه‌ای اقدامات تشکیل می‌شود که به انواع محیط‌های فرد تأثیر می‌گذارند که این محیط‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری یک فرد نقش داشته و دارای کارکردهای اجتماعی هستند. در این راستا مدرسه، خانواده و رسانه در یک مقطع زمانی ویژه مؤثرند. بر اساس تئوری‌های فرآیند اجتماعی، بزهکاری تابعی از جامعه‌پذیری افراد است.

- مقاله با موضوع: تأثیر عوامل فردی، اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم به قلم لرکجوری و دیگران که در سال ۱۳۹۷ در **مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی** به چاپ رسیده است در آن آمده است: جرم پدیده‌ای است ضد اجتماعی که موجب اختلال در نظم و امنیت جامعه و کشور می‌شود و حفظ حقوق جامعه در قبال تجاوز و در عین حال پاسداری از حقوق فردی وظیفه حقوق جزا و قانون می‌باشد. با توجه به چند بعدی بودن پدیده‌های اجتماعی و چند متغیره بودن آنها، برای جلوگیری از تقلیل‌گرایی باید آنها را از منظر علوم مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار داد. پدیده جرم نیز به دلیل چندبعدی بودن باید از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. با هدف شناسایی عوامل موثر بر ارتکاب جرم به روش مروری به بررسی تأثیر عوامل فردی، اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم در جامعه پرداخته است.

- مقاله با موضوع: تعیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی جرم در بین جوانان استان البرز: مرور سیستماتیک به قلم اسماعیل زاده که در سال ۱۴۰۱ در **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان** به چاپ رسیده است در آن آمده است: جنسیت، سن و تحصیلات پای ثابت متغیرهای زمینه‌ای در تبیین جرم بوده‌اند. مردان نسبت به زنان و مهاجرین نسبت به بومیان مجرم‌تر بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد یافته‌های مطالعه با نتایج برخی مطالعات دیگر همخوانی دارد ولی مرور رویکردهای نظری جرم نشان از تغییر خوانش از جرم دارد. همچنین نتایج آزمون کای اسکور نشان داد که در تحلیل فضایی جرم، متغیرهای تاریکی و روشن بودن، خلوتی و دنج بودن محل جرم، زمان وقوع تراکم جمعیت ارتباط معنی‌داری با وقوع نوع و میزان جرم داشتند.

- مقاله با موضوع: بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران) به قلم نوغانی دخت بهمنی که در سال ۱۳۹۴ در **پژوهش‌های راهبردی مسائل ایران** به چاپ رسیده است در آن آمده است: بیشترین عوامل مؤثر بر متغیر سرقت، به ترتیب متغیرهای نرخ بیکاری و نرخ تورم هستند.

۱. مبانی نظری

شخصیت منعکس کننده کلیت باورها، نگرش ها، رفتارها و شیوه های تعامل یک انسان با جهان اجتماعی است. شخصیت مجموع تمام خصوصیات انسانی است که فرد را در بین افراد منحصر به فرد می کند. شخصیت انسان از مجموعه ای از صفات یا ویژگی های گسسته انسانی تشکیل شده است. این ویژگی ها می توانند در بین انسان ها متفاوت باشند و در برخی از انسان ها با هم ترکیب می شوند تا جهت گیری ها یا الگوهای رفتاری و شناختی قابل تشخیصی را شکل دهند. این جهت گیری ها، چیزی که ما آن را "شخصیت" می نامیم، می توانند در طول زمان بسیار پایدار باشند. به دلیل همپوشانی بین صفات و مجموعه گسترده تر شخصیت، گاهی اوقات تشخیص واضح یک نظریه جرم شناسی به عنوان یک ویژگی یا نظریه شخصیت دشوار است. به همین دلیل، دیدگاه های ویژگی و شخصیت تحت چتر نظری بزرگتری از تفاوت های فردی قرار گرفته اند. انسان ها تقریباً در هر ویژگی قابل اندازه گیری متفاوت هستند. برخی افراد به دنبال رفتارهای مخاطره آمیز هستند و برخی دیگر و گوشه گیر هستند. برخی مراقب و پرورش دهنده هستند، در حالی که برخی دیگر خصمانه و پرخاشگر هستند. (Wright & Moore, 2012,p1)

جست و جوی شخصیت جنایتکار یا ویژگی فوق العاده، هم ذهن و هم تصورات دانشگاہیان و هم جامعه وسیع تر را تسخیر کرده است. تا حدی، این به دلیل بیزاری سرسختانه از این تصور است که افراد عادی و معمولی به کودکان تجاوز می کنند، قتل یا آزار می دهند. میل به پاسخ های ساده و سراسر وجود دارد. علیرغم این محبوبیت پایدار نظریه شخصیت، جرم شناسان برای چندین دهه به شدت در مورد ارتباط شخصیت در مطالعه جرم شناسی بحث کرده اند. نگرانی های انتقادی که در مورد نظریه شخصیت توسط جرم شناسان مطرح شده است، بررسی خواهد شد. ابتدا، نگرانی های مربوط به گزاره های کلیدی و پیامدهای سیاست گذاری در نظر گرفته و ارزیابی می شوند. در مرحله دوم، انتقادات مربوط به نقاط ضعف روش شناختی در پژوهش نظریه شخصیت بررسی خواهد شد. پیشرفت های اخیر در تحقیقات تئوری شخصیت در پاسخ به آن نگرانی های روش شناختی خاص، از جمله یافته های تحقیقاتی کنونی در رابطه با ارتباط بین شخصیت و رفتار ضد اجتماعی، به تفصیل بیان خواهد شد. در نهایت، کاربرد آینده نظریه شخصیت برای تعقیب دانش در رابطه با مجرمان و جرم و جنایت بررسی خواهد شد و راه هایی برای تئوری و تحقیقات یکپارچه پیشنهاد می شود. (Reid, 2011)

این بخش تئوری های شخصیت را در رابطه با رفتار مجرمانه بررسی می کند. بر اساس این نظریه ها، رفتار مجرمانه با وجود برخی ویژگی های شخصیتی یا شخصیت مجرمانه خاص مرتبط است. روانشناسان با بررسی ویژگی های خاص مجرم یا دسته هایی از ویژگی هایی که او را به سمت رفتار مجرمانه سوق می دهند، شخصیت را به رفتار مجرمانه مرتبط می کنند.

این فصل بر نظریه‌های شخصیتی تمرکز دارد که سعی می‌کند ویژگی‌های اصلی گرایش جنایی را توضیح دهند، از جمله ویژگی‌های شخصیتی تحت کنترل در مقابل کنترل بیش از حد، ابعاد برون‌گرایی آیزنک، روان‌رنجورگی و روان‌پریشی، و عاطفه‌گرایی مثبت، عاطفه منفی و محدودیت تلگن. شواهد تجربی برای هر نظریه ارائه شده است و ارتباط شخصیت با رفتار مجرمانه مورد بحث قرار می‌گیرد. نظریه‌های شخصیت، مانند نظریه شخصیت زیست اجتماعی آیزنک، بینش‌های بیشتری را در مورد جنبه‌های روانشناختی جرم ارائه می‌دهد. این دیدگاه نشان می‌دهد که وجود برخی ویژگی‌های شخصیتی با جرم و بزهکاری همراه است. حققان شخصیت را با رفتار مجرمانه از دو طریق اصلی مرتبط می‌دانند. اول، یک مجرم ممکن است دارای ویژگی‌های شخصیتی خاصی باشد که او را بیشتر مستعد فعالیت‌های مجرمانه می‌کند. ثانیاً، برخی از روانشناسان پیشنهاد می‌کنند که مجرمان جنایی خاص، که به عنوان اختلال شخصیت ضد اجتماعی شناخته می‌شوند، شخصیت مجرمانه از خود نشان می‌دهند. این شخصیت مجرمانه شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌های که افراد را به سمت رفتار مجرمانه مستعد می‌کند. (Ozer & Akbas, 2023)

۲. مفاهیم

۱-۳: چیستی جرم

در زبان عادی، جرم عملی غیرقانونی است که توسط دولت یا مقامات دیگری مجازات می‌شود. اصطلاح جرم، در حقوق جزای مدرن، تعریف ساده و قابل قبولی ندارد، هرچند تعاریف قانونی برای اهداف معینی ارائه شده است. رایج‌ترین دیدگاه این است که جرم مقوله‌ای است که توسط قانون ایجاد شده است. به عبارت دیگر، چیزی در صورتی جرم است که در قانون کیفری مربوطه آن کشور و لازم‌الاجرا چنین باشد. (Lindsay, 2008, p273) یک تعریف پیشنهادی این است که جرم (یا جرم کیفری) عملی است که نه تنها برای برخی افراد بلکه برای یک جامعه یا دولت مضر است ("یک اشتباه عمومی") می‌باشد. این گونه اعمال ممنوع و مجازات قانونی دارد. این تصور که اعمالی مانند قتل، تجاوز جنسی و سرقت و ... ممنوع است در سراسر جهان وجود دارد. اینکه دقیقاً چه جرمی جرم است، توسط قانون کیفری هر حوزه قضایی مربوط تعریف می‌شود. در حالی که بسیاری از آنها فهرستی از جرایم به نام قانون کیفری دارند، در برخی از کشورهای عرفی چنین قانون جامعی وجود ندارد. حاکمیت این قدرت را دارد که آزادی فرد را برای ارتکاب جرم به شدت محدود کند. در جوامع مدرن، رویه‌هایی وجود دارد که تحقیقات و محاکمه‌ها باید به آنها پایبند باشد. معمولاً برای اینکه «عمل مجرمانه» به عنوان جرم طبقه‌بندی شود، با استثنائات خاصی باید با «قصد انجام کاری مجرمانه» همراه باشد. (Elizabeth, 2003)

اکثر کشورها یک قانون جزایی وضع کرده‌اند که در آن همه قوانین جزایی قابل یافتن است، به عنوان مثال اگرچه قوانین انگلیس منبع بسیاری از سیستم‌های حقوق کیفری دیگر هنوز مدون نشده است. تعاریف جرایم خاص مندرج در یک قانون باید در پرتو بسیاری از اصول تفسیر شوند که ممکن است برخی از آنها در واقع در خود قانون بیان نشده باشند. به عنوان مثال، بسیاری از سیستم‌های حقوقی وضعیت روانی فرد متهم را در زمان وقوع جرم مورد نظر در نظر می‌گیرند. اکثر نظام‌های حقوقی نیز جرایم را به منظور واگذاری پرونده‌ها به انواع مختلف دادگاه‌ها طبقه‌بندی می‌کنند.

تغییرات اجتماعی اغلب منجر به تصویب قوانین کیفری جدید و منسوخ شدن قوانین قدیمی‌تر می‌شود. رفتار مجرمانه توسط قوانین حوزه‌های قضایی خاص تعریف می‌شود و گاهی اوقات تفاوت‌های زیادی بین کشورها و حتی در داخل کشورها در مورد اینکه چه نوع رفتاری ممنوع است وجود دارد. رفتاری که در یک کشور یا حوزه قضایی قانونی است ممکن است در کشور دیگر مجرمانه باشد و فعالیت‌هایی که در یک حوزه قضایی به یک تخلف ناچیز تبدیل می‌شود ممکن است در جای دیگر جرم جدی محسوب شود. تغییر زمان و نگرش اجتماعی ممکن است به تغییراتی در قوانین کیفری منجر شود، به طوری که رفتاری که زمانی مجرمانه بوده ممکن است قانونی شود، این امر ناشی از مصلحت‌گرایی و مقتضیات زمان و مکان^۱ در جرم‌انگاری رفتار مجرمانه است. (Clarke et al., 2024)

۲-۳: تحلیل نظری توصیفی

نظریه‌های توصیفی نظریه‌هایی هستند درباره اینکه پدیده‌ها چگونه هستند. آنها تئوری‌هایی در مورد ابزارهایی هستند که برای ارائه توضیحات کافی از پدیده‌های فردی نیاز داریم. در مقابل، نظریه‌های تبیینی (یا چارچوب‌های نظری)، نظریه‌هایی هستند درباره اینکه چرا پدیده‌های مختلف به این شکل هستند. تمایز بین نظریه‌های توصیفی و نظریه‌های تبیینی به طور گسترده در علوم مختلف به رسمیت شناخته نشده است، اگرچه شناسایی توضیح تاریخی برای این امر دشوار نیست. نخست، نظریه‌های پیش‌زاینده، مانند ساختارگرایی آمریکایی، به صراحت هدف از ساختن یک نظریه تبیینی را رد کردند. به این ترتیب آنها نمونه‌هایی از نظریه‌های توصیفی بودند، اما فرض اساسی این بود که این تنها نوع نظریه مورد نیاز است. مثلاً زبان‌شناسان اغلب کارهایی را که توصیف می‌کنند از کارهایی که به عنوان نظری توصیف می‌کنند، متمایز می‌کنند. به طور مشابه، اغلب آثار خاصی را نظری توصیف می‌کنند. (Dryer, 2006, 207) در این تبیین علمی مدلی ارائه شده است که امکان ساخت یک توضیح نظری را بر اساس داده‌های انباشته شده در میدان به منظور ساختن یک توصیف معنادار فراهم می‌کند. در این تلاش، تمایزی بین دو روش تحلیل نظری پیشنهاد شده است: تحلیل مرتبه اول و تحلیل مرتبه دوم: تحلیل نظری مرتبه اول فرآیند ساختن یک تبیین نظری است.

^۱. Time and Place Requirements

تحلیل نظری مرتبه دوم فرآیندی است برای ساختن توضیح نظری از طریق تبدیل مقوله‌های توصیفی بر اساس مخزن داده‌های کمتر از حد ایده‌آل متراکم که در حال حاضر داریم. نظریه ای که محققان کیفی سعی در ساختن آن دارند «نظریه سطح پایین» است که از مطالعه یک پدیده در یک زمینه موقعیتی خاص تکامل می یابد و برای موقعیت های فوری و خاص قابل استفاده است. (Shkedi, 2004,p627)

اگر بخواهیم از منظر رویکردهای تاریخی به این روش علمی بنگریم تئوری تصمیم توصیفی به توصیف و توضیح قاعده مندی ها در انتخاب هایی که افراد تمایل دارند انجام دهند، می پردازد. این نظریه به طور استاندارد از یک شرکت موازی، تئوری تصمیم گیری هنجاری متمایز است، که به دنبال ارائه گزارشی از انتخاب هایی است که مردم باید آماده انجام آن باشند. بسیاری از کار در این زمینه به ساخت و آزمایش مدل‌های رسمی اختصاص یافته است که هدف آن بهبود کفایت توصیفی چارچوبی است که به عنوان «مفید مورد انتظار موضوعی» (SEU) شناخته می‌شود. این کفایت برای اولین بار در اواسط قرن گذشته زیر سوال رفت و بیشتر توسط یک سری کار تجربی در روانشناسی و اقتصاد و... از اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد به چالش کشیده شد. تعدادی از نتایج رسمی مهم، که به عنوان «قضیه‌های بازنمایی» شناخته می‌شوند، نشان می‌دهند که این ادعا در مورد توصیف‌پذیری می‌تواند از مجموعه‌ای از اصول کلی قابل قبول در ابتدا، با نام «اصول‌ها» یا «بدیهیات» ناشی شود، که به ترجیحات عاملان بر اعمال مربوط می‌شود.

(See: Descriptive Decision Theory (Stanford Encyclopedia of Philosophy), 2017)

یافته های تحقیقاتی

۳. توصیف برخی عوامل موثر بر ارتکاب به جرم

۱-۴): عوامل وارثی

نقش عوامل ژنتیکی در جرم موضوعی است که در حال انجام تحقیقات و بحث در زمینه های جرم شناسی، روانشناسی و ژنتیک است. در حالی که هیچ "ژن جرم" واحدی وجود ندارد، عوامل ژنتیکی می توانند با شکل دادن به ویژگی هایی مانند تکانشگری، پرخاشگری و احساس طلبی بر تمایل فرد به رفتار مجرمانه تأثیر بگذارند. عوامل ژنتیکی می‌توانند با تأثیرگذاری بر رشد برخی ویژگی‌ها مانند تکانشگری، پرخاشگری و احساس طلبی که با رفتار مجرمانه مرتبط هستند، به رفتار مجرمانه کمک کنند. استعداد های ژنتیکی با عوامل محیطی برای تعیین احتمال درگیر شدن فرد در رفتار مجرمانه در تعامل است. به عنوان مثال، افرادی که دارای استعداد ژنتیکی برای پرخاشگری هستند، در صورت قرار گرفتن در معرض یک محیط خشونت آمیز ممکن است بیشتر درگیر رفتار مجرمانه باشند. عوامل ژنتیکی، فیزیولوژیکی و بیوشیمیایی عوامل اتفاقی به همان معنی عوامل خانوادگی، طبقه اجتماعی یا همسایگی هستند.

دکترین حقوقی مسئولیت با شناسایی عوامل بیولوژیکی به عنوان تا حدی تعیین کننده جرم، بیشتر از یافته های علت اجتماعی به چالش کشیده نمی شود. تنها در مواردی که عوامل بیولوژیکی غیرطبیعی تأثیرات فوق العاده قدرتمندی دارند، ممکن است مسئولیت به چالش کشیده شود. چنین مواردی بسیار نادر خواهد بود.

(Mednick & Finello, 1983,p1)

تغییرات ژنتیکی خاص، مانند ژن MAOA، با سطوح بالاتر پرخاشگری و رفتار ضد اجتماعی مرتبط است. ژن CDH13 که در رشد عصبی و اتصال سیناپسی نقش دارد، با تکانشگری و اختلال سلوک مرتبط است. نقش ژنتیک در رفتار مجرمانه تعیین کننده نیست، به این معنی که استعدادهای ژنتیکی رفتار مجرمانه را تضمین نمی کند. عوامل محیطی، مانند شرایط پرورش خانواده، می توانند بیان استعدادهای ژنتیکی را کاهش داده یا تقویت کنند. درک عوامل ژنتیکی دخیل در رفتار مجرمانه می تواند به رویکردهای آگاهانه تر برای پیشگیری، توانبخشی و سیاست های اجتماعی کمک کند. این دانش می تواند به شناسایی افراد در معرض خطر رفتار مجرمانه و توسعه مداخلات هدفمند کمک کند. در حالی که ژنتیک در شکل گیری تمایل افراد به رفتار مجرمانه نقش دارد، لازم است که تعامل پیچیده بین عوامل ژنتیکی و محیطی برای توسعه راهبردهای پیشگیری و مداخله موثر در نظر گرفته شود. برخی مطالعات شواهد تجربی برای تأثیر ژنتیکی در علت شناسی رفتار ضد اجتماعی تا حدی تایید می کند. (Brennan & Mednick, 1993,p19)

نقش ژنتیک در رفتار مجرمانه را می توان از طریق مطالعات خانواده، دوقلوها و فرزندخواندگی ارزیابی کرد. نتایج حاصل از مطالعات فرزندخواندگی به طور مداوم رابطه ای را بین رفتار جنایی والدین بیولوژیکی و نتیجه جنایی فرزندخوانده نشان داده است. این یافته در مورد جرایم دارای مورد توجه قرار گرفته است، اما در مورد جرایم خشن نه. جنایت خشونت آمیز در فرزندان فرزندخوانده ارتباطی با جرم خشونت آمیز در والدین بیولوژیکی ندارد. یافته های گروه فرزندخواندگی دانمارکی نشان می دهد که جنایات خشونت آمیز ممکن است از نظر ژنتیکی با انواع دیگر انحرافات رفتاری مرتبط باشد. در گروه فرزندخواندگی دانمارک، نرخ اسکیزوفرنی در فرزندان فرزندخوانده پدران بیولوژیکی که به جرم جنایات خشونت آمیز محکوم شده اند، افزایش یافته است. این رابطه اسکیزوفرنی خشونت پدر و فرزندخوانده را نمی توان با عوامل مخدوش کننده بالقوه رشد موقعیت اجتماعی، سن انتقال، آگاهی از سابقه خانوادگی جرم یا بیماری روانی والدین بیولوژیکی توضیح داد. (Brennan et al., 2007,p115)

۲-۴: تأثیر گذاری کلی عوامل اکتسابی بر شخصیت مجرمانه

علاوه بر عوامل اجتماعی و محیطی، ویژگی های شخصیتی فردی با رفتارهای ناسازگارانه ارتباط پیچیده ای دارد. برخی از جنایات توسط گروه ها و نهادهایی انجام می شوند که ردی از مشروعیت سیاسی و مذهبی دارند، در حالی که برخی دیگر شامل اقدامات گروه ها، باندها یا فرقه های مرتد می شوند.

جناایتکاران لزوماً حملات خود را به افراد خارج از گروه یا حوزه نفوذشان محدود نمی‌کنند. میل به تسلط بر افراد دیگر ویژگی اساسی وجود انسان است. جامعه‌شناسان برای درک اینکه چگونه رفتار مجرمانه تحت تأثیر گروه‌ها، نهادها، عوامل فرهنگی و شرایط اجتماعی و فیزیکی قرار می‌گیرد، بر نظریه و تحقیق در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی و محیطی تکیه می‌کنند. آنها پیشنهاد می‌کنند که راه حل‌های موثر برای مشکلات جرم باید با تغییر در ساختار، ارزش‌ها و عملکرد اساسی‌ترین نهادهای جامعه، از جمله خانواده و سیستم‌های حقوقی، سیاسی و آموزشی آغاز شود. ریشه‌های اجتماعی پرخاشگری و خشونت انسان توسط نظریه فروید مبنی بر ذاتی بودن تمایلات پرخاشگرانه انسان پشتیبانی نمی‌شود. شواهد قوی نشان می‌دهد که افراد از طریق تعاملات و تجربیات خود با افراد دیگر یاد می‌گیرند که پرخاشگر باشند.

پرخاشگری در خدمت اهداف معین بخشی از فرهنگ غرب و مرکز فرهنگ رقابتی شدید ایالات متحده است، جایی که شعار وینس لومباردی "برنده شدن همه چیز نیست، تنها چیز است" به طور گسترده پذیرفته شده است. نظریه یادگیری اجتماعی، که توسط آلبرت بندورا در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت، یک نظریه روانشناختی است که بر نقش مشاهده، تقلید و الگوسازی در فرآیند یادگیری تأکید دارد. بر اساس این نظریه، افراد می‌توانند به سادگی با مشاهده و تقلید از اعمال دیگران، رفتارها و دانش جدیدی کسب کنند. این نشان می‌دهد که یادگیری نه تنها نتیجه تجربیات مستقیم یا تقویت است، بلکه می‌تواند از طریق تجربیات غیرمستقیم با تماشای دیگران نیز رخ دهد. افراد می‌توانند رفتارهای جدید را به سادگی با مشاهده دیگران بیاموزند. این فرآیند شامل توجه به اعمال مدل، به خاطر سپردن آنچه مشاهده شده، و بعداً در صورت لزوم بازتولید رفتار است. پس از مشاهده رفتار یک مدل، افراد ممکن است در صورتی که الگو را شبیه به خود بدانند یا اگر معتقدند این رفتار به نتایج مطلوبی منجر شود، سعی در تقلید از آن رفتار داشته باشند. پیامدهای رفتار مشاهده شده نقش مهمی در تعیین اینکه آیا رفتار تکرار خواهد شد، بازی می‌کند. تقویت مثبت (پاداش) احتمال تکرار را افزایش می‌دهد، در حالی که تقویت منفی (اجتناب از مجازات) نیز بر رفتار تأثیر می‌گذارد. (Moon:2023,pp1-3)

چندین تحقیق ژنتیکی با هدف وجود تأثیر ژنتیکی بر رفتار مجرمانه مشخص می‌شود. مطالعات روی دوقلوها نیز نقش عمده‌ای در تعیین وجود چنین نظریه‌هایی دارد. اختلالات جسمی و روانی نیز در بروز چنین رفتارهایی نقش دارند. با این وجود، محققان تأثیر محیط بر رفتار مجرمانه را نیز اثبات می‌کنند. بر خلاف آن، محققان همچنین ثابت می‌کنند که در همه موارد عوامل محیطی مربوطه بر رفتار مجرمانه تأثیر نمی‌گذارد. اثر متقابل عوامل ژنتیکی-محیطی نیز به طور عمده در چنین رفتار مجرمانه‌ای نقش دارد. ارتباط زیستی و محیطی می‌تواند نقش عمده‌ای در رسیدگی‌ها داشته باشد. (Chakraborty et al., 2012)

نوعاً مطالعه روانشناسی جنایی با هدف درک عوامل مؤثر در رفتار مجرمانه انجام می شود. در حالی که تأثیرات مختلفی وجود دارد که می تواند گرایش افراد به جرم و جنایت را شکل دهد، یک عنصر حیاتی محیطی است که در آن رشد و زندگی می کنند. محیط نقش بسزایی در شکل گیری روانشناسی جنایی فرد دارد و درک این رابطه می تواند بینش های ارزشمندی را در زمینه توسعه و پیشگیری از رفتار مجرمانه ارائه دهد. یکی از عوامل محیطی اولیه که می تواند روانشناسی جنایی را شکل دهد، پویایی خانواده است که در آن فرد بزرگ می شود. تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که کودکانی که در خانواده های ناکارآمد رشد می کنند که با بی توجهی والدین، بدرفتاری یا رفتار مجرمانه مشخص می شوند، احتمال بیشتری دارد که خودشان تمایلات مجرمانه ایجاد کنند. محله ای که یک فرد در آن زندگی می کند نیز نقش مهمی در شکل گیری روانشناسی جنایی او ایفا می کند. بزرگ شدن در محله ای با جرم و جنایت، افراد را در معرض عوامل خطر مختلفی مانند درگیری با باند، سوء مصرف مواد و خشونت قرار می دهد.. نفوذ همتایان می تواند به طور قابل توجهی به رفتار مجرمانه کمک کند.

(See:<https://fastercapital.com/topics/the-role-of-environment-in-shaping-criminal-psychology.html>)

۴. تاثیر جنسیت بر ارتکاب به جرم از منظر شخصیت محور

تأثیر جنسیت بر جرم از منظر شخصیت محور موضوعی می باشد که در بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات نشان می دهد که در حالی که تفاوت هایی در شیوه رفتار مجرمانه مردان و زنان وجود دارد، ویژگی های شخصیتی فردی نقش مهمی در پیش بینی جنایت بدون توجه به جنسیت دارند. رفتار مجرمانه در روزهای اخیر برای درک چگونگی برخورد با عوامل زمینه ای سبب سازی جرم رایج شده است. گرایش فرد به ارتکاب جرم با شخصیت هایی مانند سازگاری کم، وظیفه شناسی، برون گرایی و روان رنجورخویی بالا مرتبط است از بسیاری از رویکردهای نظری، درک شخصیت یک فرد برای تعیین و منطقی کردن چنین رفتاری فرض می شود. این مقاله با برگرفتن از چندین پارادایم، تأثیرات عوامل شخصیتی و شخصیتی را که در مواجهه های جرمزا و دخالت در جرم افراد مجرم و غیر مجرم تأثیر می گذارند، بررسی می کند. بر اساس دیدگاه های توصیف شده توسط آیزنک، جایی که او جرم و شخصیت را به هم مرتبط می کند، تمرکز بر پنج ویژگی بزرگ شخصیت یعنی گشودگی، وظیفه شناسی، برون گرایی، توافق پذیری و روان رنجورخویی برای بررسی اینکه چگونه ساختارهای شخصیت در مطالعه رفتار مجرمانه و شناسایی شاخص های رفتار مجرمانه به اضافه زمان توسعه یافته اند، تمرکز داشت. نتایج نشان داد که شخصیت ممکن است مستقیماً بر تأثیرات فردی نسبت به رفتارهای مجرمانه تأثیر بگذارد و ممکن است در توسعه مداخلات هم برای مدیریت و هم برای کاهش چنین گرایش های زود هنگامی مفید باشد. (Grandhi et al,2024,p10)

ویژگی‌های شخصیتی روان‌پریشی، مانند خودمحوری، خصومت و تکانشگری، پیش‌بینی‌کننده قوی رفتار مجرمانه در مردان و زنان هستند. این ویژگی‌ها با احتمال بیشتری برای دستگیری، حبس و محکومیت همراه است. زنان در مقایسه با مردان به طور قابل توجهی کمتر مرتکب جنایات می‌شوند، با برخی از تغییرات در انواع جرایم که مرتکب می‌شوند. با این حال، مطالعات خود گزارش شده نشان می‌دهد که شکاف جنسیتی در بزهکاری کمتر است، که نشان می‌دهد دختران بیشتری ممکن است تمایلی به اعتراف به ارتکاب جرم نداشته باشند. خودکنترلی پایین و خلق و خوی دشوار نیز پیش‌بینی‌کننده مهم رفتار مجرمانه، صرف نظر از جنسیت است. این ویژگی‌ها را می‌توان با استفاده از مقیاس‌ها و موجودی‌های مختلف اندازه‌گیری کرد، که اهمیت مداخلات اولیه برای کاهش خطر جنایت را برجسته می‌کند. روان‌پریشی خودکنترلی کم؛ خلق و خوی دشوار، به عنوان یک تأثیر کلی، انتظار می‌رود که این بررسی درک عمیقی از پیوند بین ویژگی‌های شخصیتی فردی و جنایت ارائه دهد. از این رو، توجه بیشتری به بعد شخصیت به عنوان یک عامل خطر قابل توجه رفتار مجرمانه داده خواهد شد. (Tharshini et al., 2021, p8863)

تحقیقات نشان داده است که کلیشه‌های جنسیتی به طور قابل توجهی بر درک مسئولیت، شدت مجازات و احتمال تکرار جرم تأثیر نمی‌گذارد. با این حال، نوع جرم ارتكابی تأثیر بسزایی بر این ادراکات دارد و سرقت هویت به عنوان شدیدترین جرم تلقی می‌شود. تئوری نقش جنسیت نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در میزان جرم و جنایت ناشی از تفاوت در نقش‌های جنسیتی، هویت‌ها و فرآیندهای اجتماعی شدن است. این نظریه بیان می‌کند که ارزش‌های سنتی زنانه رفتار مجرمانه را دلسرد می‌کند، در حالی که ارزش‌های مردانه بیشتر برای جرم و جنایت مفید هستند. در حالی که برخی تفاوت‌های جنسیتی در میزان جرم و جنایت‌های انجام شده وجود دارد، ویژگی‌های شخصیتی فردی مانند روان‌پریشی، خودکنترلی پایین و خلق و خوی دشوار پیش‌بینی‌کننده‌های قوی رفتار مجرمانه هستند. این ویژگی‌ها را می‌توان از طریق مداخلات اولیه شناسایی و برطرف کرد، که می‌تواند به کاهش نرخ جرم کمک کند. علاوه بر این، نظریه نقش جنسی چارچوبی نظری برای درک اینکه چگونه نقش‌های جنسیتی و فرآیندهای اجتماعی شدن بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارد، ارائه می‌دهد. نظریه‌ها نشان می‌دهند که جنایت زنان ممکن است تحت تأثیر ادراکات اجتماعی باشد. فروید معتقد بود زنان پستتر هستند، در حالی که پولک آنها را حيله گر و دستکاری‌کننده توصیف کرد. نظریه رشد اخلاقی گیلیگان پیشنهاد می‌کند که دخالت کمتر زنان در جرم می‌تواند به دلیل توانایی‌های شناختی اجتماعی مهارت‌های اجتماعی بهتر باشد. (Cruz et al., 2023, p467)

۵. تاثیر سن بزهکاری بر ارتکاب به جرم از منظر شخصیت محور

آنچه براساس تحقیقات و یافته های علمی صورت پذیرفته نشان می دهد می توان چنین مدعی گردید رابطه بین سن و جرم از دیدگاه شخصیت محور نشان می دهد که تغییرات مرتبط با سن در ویژگی های شخصیتی به طور قابل توجهی به کاهش رفتار ضد اجتماعی و فعالیت های مجرمانه در طول زمان کمک می کند. این دیدگاه بر رشد مشترک شخصیت و رفتار ضداجتماعی از اواخر نوجوانی تا اوایل بزرگسالی تأکید دارد، با تغییرات شخصیتی که زیربنای رشد رفتار ضد اجتماعی در این مرحله شکل گیری از دوره زندگی است. یعنی منحنی سن-جرم ارتباط قوی بین سن و جرم را نشان می دهد، همراه با کاهش رفتار ضداجتماعی با بالغ شدن افراد. این کاهش به تغییرات هنجاری در ابعاد کلیدی شخصیت نسبت داده می شود. ارتباط قوی بین سن و جرم و جنایت تحقیقات قابل توجهی را دریافت کرده است. با این حال ، علت این ارتباط هنوز نامشخص است. در این تحقیقات ، رشد شخصیت با تأکید بر الگوهای تغییر در صفات از اواخر نوجوانی تا اوایل بزرگسالی برجسته می شود تا به این تصور غلط در ادبیات جنایت سنی پردازد که شخصیت تنها با ثبات در رفتار ضد اجتماعی در طول زمان مرتبط است. این نظریه مطرح می شود که کاهش رفتار ضد اجتماعی مرتبط با سن نشان دهنده تغییر هنجاری در ابعاد کلیدی شخصیت است. یافته های ادبیات رشد در مورد شخصیت با دیدگاه های بیولوژیکی و جامعه شناسی گذشته در مورد منحنی جرم سنی ادغام شده است تا نظریه ای را بیان کند که بر توسعه مشترک شخصیت و رفتار ضد اجتماعی از اواخر نوجوانی تا اوایل بزرگسالی تأکید دارد. نتیجه گیری می شود که تغییرات در شخصیت ، توسعه رفتار ضد اجتماعی را در این مرحله شکل گیری مسیر زندگی پایه گذاری می کند و توسعه شخصیت ، یک چارچوب نظری مناسب برای درک ارتباط بین سن و جرم است. (Blonigen, 2010,p89)

تحقیقات به طور مداوم ویژگی های شخصیتی خاصی را با رفتار مجرمانه مرتبط می کند. به عنوان مثال، تکانشگری، کنترل پایین بر خود و خلق و خوی دشوار با میزان بالاتری از توهین همراه است. این ویژگی ها اغلب با احساسات منفی بالا و محدودیت ضعیف مشخص می شوند که می تواند منجر به اعمال ضد اجتماعی شود. نوعا تکانشگری یک ساختار کلیدی در درک رابطه بین شخصیت و جرم است. در حالی که تکانشگری به شدت با توهین در نوجوانی و اوایل بزرگسالی مرتبط است، نیاز به تحقیقات بیشتری در مورد نقش آن در بزرگسالی میانی و اواخر وجود دارد، جایی که تظاهرات مختلف توهین ممکن است شایع تر باشد. وقتی افراد بالغ می شوند، تمایل به کاهش هنجاری در تکانشگری و سایر رفتارهای بیرونی دارند. این با اصل بلوغ رشد شخصیت سازگار است، که در آن افراد بیشتر مشورت می کنند و کمتر مستعد عمل بر اساس انگیزه می شوند. درک نقش ویژگی های شخصیتی در رفتار مجرمانه می تواند راهبردهای پیشگیری از جرم را آگاه کند.

به عنوان مثال، شناسایی زود هنگام افراد دارای ویژگی های شخصیتی در معرض خطر و ارائه مداخلات مناسب می تواند به کاهش خطر جنایت کمک کند. تقریباً همه چیزهایی که در مورد رابطه بین تکانشگری و توهین می دانیم به دوران نوجوانی و اوایل بزرگسالی محدود می شود. تحقیقات کمی وجود دارد که تکانشگری و توهین را در اواسط و اواخر بزرگسالی بررسی می کند. (Ray & Jones, 2023, p1587)

آنچه کمتر شناخته شده است در این بررسی پوشش داده شده است. کاهش هنجاری در توهین وجود دارد، اما در میانسالی و اواخر بزرگسالی بسیار رایج است. این تصور را به چالش می کشد که اکثر مجرمان تا میانسالی از جرم خارج می شوند. همچنین کاهش هنجاری در تکانشگری وجود دارد که مطابق با اصل بلوغ رشد شخصیت است. در حالی که تکانشگری با توهین آمیز (و سایر رفتارهای بیرونی) در اواسط و اواخر بزرگسالی مرتبط است، شواهد بسیار کمی وجود دارد که نشان دهد آیا کاهش تکانشگری به طور علی با کاهش توهین ارتباط دارد یا خیر. پیشنهاد های مختلفی برای تحقیقات آتی ارائه شده است که بهتر می تواند این خلأ قابل توجه در ادبیات را برطرف کند. پس رابطه بین سن و جرم از دیدگاه شخصیت محور، اهمیت در نظر گرفتن رشد و بلوغ شخصیت را در درک کاهش رفتار ضد اجتماعی در طول زمان برجسته می کند. پژوهشگران با بررسی نقش ویژگی های شخصیتی در رفتار مجرمانه می توانند راهبردهای مؤثرتری برای مقابله با جرم ایجاد کنند. (Ray & Jones, Previous source)

در تحقیقات دیگری آمده است: یافته های ادبیات رشد در مورد شخصیت با دیدگاه های زیست شناختی و جامعه شناختی گذشته در مورد منحنی سن-جرم ادغام می شود تا نظریه ای را بیان کند که بر رشد مشترک شخصیت و رفتار ضد اجتماعی از اواخر نوجوانی تا اوایل بزرگسالی تأکید دارد. نتیجه گیری می شود که تغییرات در شخصیت زمینه ساز رشد رفتار ضد اجتماعی در طول این مرحله شکل گیری از دوره زندگی است و رشد شخصیت نشان دهنده یک چارچوب نظری قابل قبول برای درک ارتباط بین سن و جرم است.

(Blonigen, 2010b)

منحنی سن-جرم که در سالهای نوجوانی به اوج خود می رسد و سپس کاهش می یابد، شناخته شده است. کمتر شناخته شده این است که به نظر می رسد منعکس کننده تغییرات در شیوع (نسبت افراد مجرم) به جای بروز (میزان تخلف توسط مجرمان) است. منحنی های سن-جرم برای افراد شبیه منحنی کل نیست، زیرا بروز به طور مداوم بین شروع و پایان مشاغل مجرمانه تغییر نمی کند. این امر پیامدهای عمده ای برای سیاست عدالت کیفری دارد زیرا بیشترین طول باقی مانده از مشاغل جنایی، و از این رو بیشترین اثر ناتوان کننده بالقوه ممکن است بین سن سی تا چهل باشد، نه در اوج سن است. (Farrington, 1986, p189)

۶. تاثیر عوامل اقتصادی بر ارتکاب به جرم از منظر شخصیت محور

تأثیر عوامل اقتصادی بر جرم را می توان از دیدگاه شخصیت محور با بررسی چگونگی تأثیر شرایط اقتصادی بر شخصیت ها و رفتارهای فردی، که به نوبه خود به فعالیت های مجرمانه کمک می کند، درک کرد. نرخ بالاتر بیکاری با افزایش نرخ جرم و جنایت، به ویژه در مورد جرایم دارایی مرتبط است. این به این دلیل است که بیکاری می تواند منجر به احساس سرخوردگی، ناامیدی و کمبود فرصت شود که می تواند افراد را به سمت فعالیت های مجرمانه سوق دهد. مشخص شده است که فقر اثر مثبت قابل توجهی بر جرایم دارایی و تأثیر منفی بر جرایم خشن دارد. این نشان می دهد که فقر می تواند به دلیل نیاز به بقای مالی منجر به افزایش جرایم دارایی شود، در حالی که ممکن است منجر به کاهش جرایم خشونت آمیز شود، زیرا افراد ممکن است به دلیل خطرات زیاد درگیر رفتار خشونت آمیز کمتری باشند. مثلاً این جستار استفاده از داده های مربوط به درآمد، بیکاری، تورم، نابرابری، توسعه، تحصیلات و تراکم جمعیت به عنوان عوامل اجتماعی-اقتصادی و نیز داده های مربوط به جرم و جنایت به تفکیک منطقه و نوع، فرضیه علیت معنادار بین عوامل اجتماعی-اقتصادی و جرم را تأیید می کند. (Lobonț et al., 2017, p91)

تورم که می تواند منجر به عدم اطمینان اقتصادی و کاهش قدرت خرید شود، با افزایش نرخ جرم مرتبط است. این به این دلیل است که تورم می تواند محیطی از بی ثباتی اقتصادی ایجاد کند که می تواند افراد را برای مقابله با مشکلات مالی خود به فعالیت های مجرمانه سوق دهد. تحقیقات همچنین نشان داده است که برخی از ویژگی های شخصیتی، مانند تازگی طلبی و اجتناب از آسیب، می تواند احتمال رفتار مجرمانه را افزایش دهد. از سوی دیگر، ویژگی هایی مانند همکاری و خودکنترلی می تواند احتمال رفتار مجرمانه را کاهش دهد. نوعاً تأثیر عوامل اقتصادی بر جرم از منظر شخصیت محور، تأثیر متقابل پیچیده بین شرایط اقتصادی، شخصیت های فردی و رفتار مجرمانه را برجسته می کند. درک این روابط می تواند به سیاست گذاران کمک کند تا با پرداختن به علل اصلی رفتار مجرمانه، استراتژی های موثرتری برای کاهش نرخ جرم و جنایت ایجاد کنند. به عنوان مثال اگر بخواهیم متغیرهای تأثیر متغیرهای اقتصادی و رویکردهای روانی افراد را بر اساس روانشناسی شخص محور در شکل جرم جنایت مورد بحث قرار دهیم در تحقیقات آمده است: مجرمانی که دارای پیشینه های کم درآمد هستند، تمایل به هوش هیجانی پایین تری دارند که می تواند منجر به تصمیم گیری ضعیف و افزایش پرخاشگری شود. اینکه ویژگی های روان پریشی که با فقدان همدلی و وجدان مشخص می شود، در بین مجرمان مناطق محروم از نظر اقتصادی شایع تر است. این اغلب با سابقه تروما، غفلت یا سوء استفاده در دوران کودکی همراه است. از نظر شخصیت زمان کودکی مجرم قرار گرفتن در معرض خشونت، سوء استفاده یا بی توجهی در دوران کودکی در مناطق محروم از نظر اقتصادی رایج تر است.

این می تواند به طور قابل توجهی بر احتمال درگیر شدن فرد در رفتار مجرمانه در آینده با تأثیر بر رشد مغز و منجر به راهبردهای مقابله ای ناسازگار تأثیر بگذارد. نظریه یادگیری اجتماعی پیشنهاد می کند که افراد از طریق مشاهده و تقلید از دیگران رفتارهایی از جمله رفتارهای جنایی را بیاموزند. قرار گرفتن در معرض الگوها یا محیط های جنایی در مناطق محروم از نظر اقتصادی می تواند به اتخاذ رفتار مجرمانه کمک کند. این عوامل روانشناختی با عوامل محیطی و اجتماعی در تعامل هستند تا احتمال رفتار مجرمانه را در مناطق محروم اقتصادی افزایش دهند. بررسی بین روانشناسی و جرم فرصتی را فراهم می کند تا در نظر بگیریم که چگونه ویژگی های روانی، تجربیات و فرآیندهای فردی می توانند در ارتکاب اعمال مجرمانه نقش داشته باشند. حوزه روانشناسی قانونی بر درک این موضوع تمرکز دارد که چگونه اصول روانشناختی می تواند علل جرم، انگیزه های مجرمان و تأثیر جرم بر قربانیان و جامعه را روشن کند. همچنین کاربرد دانش روانشناختی در نظام عدالت کیفری را برای درک بهتر و رسیدگی به رفتار مجرمانه بررسی می کند. توجه به این نکته مهم است که در حالی که روانشناسی می تواند بینش های ارزشمندی در مورد رفتار مجرمانه ارائه دهد، اما تنها بخشی از یک پازل بزرگتر است. رفتار مجرمانه پدیده ای پیچیده و چندوجهی است که علاوه بر ویژگی های روانی فردی، تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی قرار می گیرد. ادغام دانش روانشناختی با سایر رشته ها مانند جامعه شناسی، جرم شناسی و حقوق، برای درک جامع جرم و توسعه راهبردهای مؤثر برای پیشگیری، مداخله و عدالت حیاتی است. (Ramirez-Thompson, 2023)

اگر به صورت تلفیقی نگاه کنیم بسیاری از نظریه های جامعه شناختی معتقدند که زمینه های اجتماعی و محیطی یک فرد ممکن است در شکل گیری گرایش آنها به رفتار مجرمانه نقش داشته باشد. به عنوان مثال، یکی از این نظریه ها به دنبال توضیح رفتار مجرمانه با اشاره به پویایی محله های محلی به عنوان یک نیروی محرکه است. این به این معنی است که افرادی که دارای پیشینه های کم درآمد هستند، بیشتر مرتکب جرم می شوند، زیرا آنها تربیت کمتری داشته اند. به نظر می رسد اکثر نظریه های جامعه شناختی در مورد روان رفتار مجرمانه از این ایده حمایت می کنند که افرادی که در سنین جوانی به حال خود رها شده اند و تبعیض هایی را از جانب جامعه تجربه کرده اند، در بزرگسالی احتمالاً مجرم می شوند. نقش فشار اجتماعی و آرمان های فرهنگی نیز مورد بحث قرار می گیرد. بیشتر تبیین های روان شناختی رفتار مجرمانه بر تجربیات شکل دهنده در اوایل زندگی متمرکز است. آنها ادعا می کنند که افرادی که در کودکی آسیب های روحی را تجربه کرده اند، بیشتر در بزرگسالی درگیر رفتارهای مجرمانه هستند. (Author groups, 2023)

۷. تاثیر عوامل اجتماعی بر ارتکاب به جرم از منظر شخصیت محور

تأثیر عوامل اجتماعی بر جرم از منظر شخصیت محور، یک حوزه مهم مطالعه در جرم شناسی است. محققان چندین ویژگی و ابعاد شخصیتی را شناسایی کرده اند که با رفتار مجرمانه مرتبط است. مطالعات نشان داده است که افرادی که دارای ویژگی های جدید طلبی و آسیب اجتنابی هستند، بیشتر درگیر رفتار مجرمانه هستند. نوعاً افراد تکانشی با خودکنترلی پایین بیشتر مستعد فعالیت های مجرمانه هستند. افرادی که دارای ویژگی های شخصیتی روان پریشی یا ضد اجتماعی هستند، به دلیل ماهیت تکانشی و پرخاشگرانه شان، تمایل به بروز رفتار مجرمانه دارند. اگر بخواهیم به صورت کاملاً تخصصی و میان رشته ای بدان پردازیم می توان در قالب نظریات شخصیت محور این تاثیرگذاری را در موارد ذیل مورد قابل بحث و بررسی قرار داد :

■ (۷-۱): نظریه شخصیت زیست اجتماعی آیزنک: این نظریه نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی

مانند برون گرایی، روان رنجورخویی و روان پریشی با رفتار مجرمانه مرتبط هستند.

■ (۷-۲): نظریه کنترل اجتماعی گاتفردسون و هیرشی: این نظریه بیان می کند که خودکنترلی پایین

یک پیش بینی کننده مهم رفتار مجرمانه است.

■ (۷-۳): عاطفه مثبت، عاطفه منفی و محدودیت تلگن: این نظریه پیشنهاد می کند که برخی از ابعاد

شخصیتی، مانند هیجان مثبت و هیجان منفی، در رفتار مجرمانه تمامی افراد جامعه نقش دارند.

(Norruzeyati et al, 2021)

علاوه بر عوامل اجتماعی و محیطی، ویژگی های شخصیتی فردی به طور پیچیده با رفتار ناسازگارانه مرتبط است. بنابراین، هدف این مقاله بررسی ارتباط بین ویژگی های شخصیتی فردی و بزهکاری بود. یک بررسی سیستماتیک برای به دست آوردن اطلاعاتی در مورد ارتباط بین ویژگی های شخصیتی فردی با رفتار مجرمانه در پایگاه های داده Sage، Web of Science، APA PsycNet، Wiley Online Library و PubMed انجام شد. نتایج نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی فردی که به جرم و جنایت کمک می کنند عبارتند از (۱) روان پریشی، (۲) خودکنترلی کم؛ و (۳) خلق و خوی دشوار. به عنوان یک تأثیر کلی، انتظار می رود که این بررسی درک عمیقی از پیوند بین ویژگی های شخصیتی فردی و جنایت ارائه دهد. از این رو، توجه بیشتری به بعد شخصیت به عنوان یک عامل خطر قابل توجه رفتار مجرمانه داده خواهد شد.

(Norruzeyati et al, Previous source)

این تاثیرات در مطالعات دیگری نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که به عنوان نمونه ای به یکی از آنان اشاره می کنیم؛ شخصیت عامل اصلی بسیاری از رفتارها است که یکی از آنها رفتار مجرمانه است. برای تعیین اینکه چه چیزی یک جنایتکار را "جنایتکار" می کند، باید شخصیت او را درک کنیم. این مطالعه سعی دارد ویژگی های شخصیتی مختلفی را شناسایی کند که مجرمان را به شخصیت آنها مرتبط می کند.

هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و رفتار مجرمانه و تعیین اینکه آیا چنین عواملی پیش بینی کننده تکرار جرم در آینده هستند یا خیر بود. در پژوهش حاضر ۳۷ نفر از مجرمان مرد زندان و ۳۶ نفر شاهد عادی به صورت نمونه گیری هدفمند وارد مطالعه شدند. به هر مجرم یک برگه اطلاعات شخصی و مقیاس ۱۶ عامل شخصیتی کتل (PFS) برای ارزیابی متغیرهای اجتماعی جمعیت شناختی و ویژگی های شخصیتی مختلف داده شد. نتایج حاکی از نمرات بالا در هوش، تکانشگری، سوء ظن، خودکفایی، خودانگیختگی، عوامل کنترل خودپنداره و نمرات بسیار پایین در مقیاس عاطفی کمتر در مقیاس ۱۶ PF کتل در مجرمان در مقایسه با عادی بود. نتیجتاً مجرمان از نظر ویژگی های شخصیتی با جمعیت عمومی یا غیر مجرمان تفاوت دارند. (Sudhinta, 2016, p41)

آمده است این جستار تئوری های شخصیت را در رابطه با رفتار مجرمانه بررسی می کند. بر اساس این نظریه ها، رفتار مجرمانه با وجود برخی ویژگی های شخصیتی یا شخصیت مجرمانه خاص مرتبط است. روانشناسان با بررسی ویژگی های خاص مجرم یا دسته هایی از ویژگی هایی که او را به سمت رفتار مجرمانه سوق می دهند، شخصیت را به رفتار مجرمانه مرتبط می کنند. نوعاً بر نظریه های شخصیتی تمرکز دارد که سعی می کنند ویژگی های اصلی گرایش جنایی را توضیح دهند، از جمله ویژگی های شخصیتی تحت کنترل در مقابل کنترل بیش از حد، ابعاد برون گرایی آیزنک، روان رنجورگی و روان پریشی، و عاطفه گرایی مثبت، عاطفه منفی و محدودیت تلگن. شواهد تجربی برای هر نظریه ارائه شده است و ارتباط شخصیت با رفتار مجرمانه مورد بحث قرار می گیرد. (Akbas et al. 2023)

به عقیده نگارنده افرادی که دارای ویژگی های شخصیتی خاصی هستند مانند تازگی طلبی زیاد، اجتناب از آسیب کم، تکانشگری و تمایلات ضد اجتماعی روانی بیشتر مستعد رفتار مجرمانه هستند. نظریه هایی مانند نظریه شخصیت زیست اجتماعی آیزنک، نظریه کنترل اجتماعی گوتفردسون و هیرشی، و مدل هیجانی و محدودیت مثبت منفی تلگن، ابعاد خاص شخصیت را به رفتار مجرمانه مرتبط می کند. عواملی مانند عدم نظارت والدین، خانواده های از هم گسیخته، والدین جنایتکار و شرایط بد اجتماعی با ایجاد ویژگی های شخصیتی ضد اجتماعی و تمایلات مجرمانه مرتبط است.

پس رابطه بین عوامل اجتماعی، شخصیت و رفتار مجرمانه پیچیده است. برخی از ویژگی های شخصیتی افراد را مستعد رفتار مجرمانه می کند و این ویژگی ها می تواند تحت تأثیر محیط اجتماعی که فرد در معرض آن قرار می گیرد، به ویژه در دوران خاص، درک این ارتباطات برای توسعه راهبردهای پیشگیری و مداخله موثر برای رسیدگی به رفتار مجرمانه بسیار مهم است.

نتیجه گیری

جرم (یا جرم کیفری) عملی است که نه تنها برای برخی افراد بلکه برای یک جامعه یا دولت مضر است (یک اشتباه عمومی) می باشد. این گونه اعمال ممنوع و مجازات قانونی دارد. اینجاست که باید به علل و عوامل موثر بر شکل گیری چنین وضعیتی رجوع شود. در این بین عوامل شخصیتی نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای را بازی می کنند؛ چرا که شخصیت منعکس کننده کلیت باورها، نگرش ها، رفتارها و شیوه های تعامل یک انسان با جهان اجتماعی است. شخصیت مجموع تمام خصوصیات انسانی است که فرد را در بین افراد منحصر به فرد می کند. شخصیت انسان از مجموعه ای از صفات یا ویژگی های گسسته انسانی تشکیل شده است. این ویژگی ها می توانند در بین انسان ها متفاوت باشند و در برخی از انسان ها با هم ترکیب می شوند تا جهت گیری ها یا الگوهای رفتاری و شناختی قابل تشخیصی را شکل دهند. اگر بخواهیم به صورت دسته بندی شده بدین عوامل اشارات مختصری داشته باشیم می توان چنین دسته بندی نمود:

عوامل وارثی: نقش عوامل ژنتیکی در جرم موضوعی است که در حال انجام تحقیقات و بحث در زمینه های جرم شناسی، روانشناسی و ژنتیک است. در حالی که هیچ "ژن جرم" واحدی وجود ندارد، عوامل ژنتیکی می توانند با شکل دادن به ویژگی هایی مانند تکانشگری، پرخاشگری و احساس طلبی بر تمایل فرد به رفتار مجرمانه تأثیر بگذارند.

تاثیر عوامل اکتسابی بر شخصیت مجرم: نوعاً مطالعه روانشناسی جنایی با هدف درک عوامل مؤثر در رفتار مجرمانه انجام می شود. در حالی که تأثیرات مختلفی وجود دارد که می تواند گرایش افراد به جرم و جنایت را شکل دهد، یک عنصر حیاتی محیطی است که در آن رشد و زندگی می کنند. محیط نقش بسزایی در شکل گیری روانشناسی جنایی فرد دارد و درک این رابطه می تواند بینش های ارزشمندی را در زمینه توسعه و پیشگیری از رفتار مجرمانه ارائه دهد.

تاثیر جنسیت بر ارتکاب به جرم: مطالعات خود گزارش شده نشان می دهد که شکاف جنسیتی در بزهکاری کمتر است، که نشان می دهد دختران بیشتری ممکن است تمایلی به اعتراف به ارتکاب جرم نداشته باشند. خودکنترلی پایین و خلق و خوی دشوار نیز پیش بینی کننده مهم رفتار مجرمانه، صرف نظر از جنسیت است. این ویژگی ها را می توان با استفاده از مقیاس ها و موجودی های مختلف اندازه گیری کرد، که اهمیت مداخلات اولیه برای کاهش خطر جنایت را برجسته می کند.

تاثیر سن بزهکاری بر ارتکاب به جرم: براساس تحقیقات و یافته های علمی صورت پذیرفته نشان می دهد می توان چنین مدعی گردید رابطه بین سن و جرم از دیدگاه شخصیت محور نشان می دهد که تغییرات مرتبط با سن در ویژگی های شخصیتی به طور قابل توجهی به کاهش رفتار ضد اجتماعی و فعالیت های مجرمانه در طول زمان کمک می کند.

این دیدگاه بر رشد مشترک شخصیت و رفتار ضداجتماعی از اواخر نوجوانی تا اوایل بزرگسالی تأکید دارد، با تغییرات شخصیتی که زیربنای رشد رفتار ضد اجتماعی در این مرحله شکل‌گیری از دوره زندگی است. **تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی توأمان بر ارتکاب به جرم:** مثلاً در بعد عوامل اجتماعی مطالعات نشان داده است که افرادی که دارای ویژگی‌های جدید طلبی و آسیب‌اجتنابی هستند، بیشتر درگیر رفتار مجرمانه هستند. نوعاً افراد تکانشی با خودکنترلی پایین بیشتر مستعد فعالیت‌های مجرمانه هستند. افرادی که دارای ویژگی‌های شخصیتی روان‌پریشی یا ضداجتماعی هستند، به دلیل ماهیت تکانشی و پرخاشگرانه‌شان، تمایل به بروز رفتار مجرمانه دارند. **یا در بعد اقتصادی** در تحقیقات آمده است: مجرمانی که دارای پیشینه‌های کم درآمد هستند، تمایل به هوش هیجانی پایین‌تری دارند که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری ضعیف و افزایش پرخاشگری شود. اینکه ویژگی‌های روان‌پریشی که با فقدان همدلی و وجدان مشخص می‌شود، در بین مجرمان مناطق محروم از نظر اقتصادی شایع‌تر است. این اغلب با سابقه تروما، غفلت یا سوء استفاده در دوران کودکی همراه است. از نظر شخصیت زمان کودکی مجرم قرار گرفتن در معرض خشونت، سوء استفاده یا بی‌توجهی در دوران کودکی در مناطق محروم از نظر اقتصادی رایج‌تر است. **پیشنهادهای مقاله حاضر:**

- **اولا:** رویکردهای پیشگیرانه از جرم باید از تک بعدی بودن صرف کیفری به چند محوری بودن سوق داده شود.
- **ثانیا:** حاکمیت‌ها باید برای کاهش هزینه‌های کیفری حداقل در بزهکاری ثانویه و امثالهم رویکردهای پیشگیرانه شخصیت محور را در دستور کار قرار دهند.
- **ثالثاً:** رویکردهای مثبت اجتماعی و اقتصادی برای عامه مردم در قالب دولت‌های رفاه می‌تواند مدل خوبی برای کاهش جرم و جنایت حتی در بعد شخصیت محور آن باشد.

فهرست منابع و مآخذ

منابع لاتین

- Cantor, J. (2021, September 22). Individual and environmental factors of crime. <https://www.linkedin.com/pulse/individual-environmental-factors-crime-john-cantor>
- Murat Ozer and Halil Akbas(01 April 2023): The Relevance of Personality to Criminal Behavior: DOI: 10.5772/intechopen.1001836
- Sudhinta Sinha(2016): Personality correlates of criminals: A comparative study between normal controls and criminals: Ind Psychiatry J. 2016 Jan-Jun; 25(1): doi: 10.4103/0972-6748.196058

- N. K. Tharshini, Fauziah Ibrahim, Mohammad Rahim Kamaluddin, Balan Rathakrishnan,= and Norruzeyati Che Mohd Nasir(2021): The Link between Individual Personality Traits and Criminality: A Systematic Review: Int J Environ Res Public Health. 2021 Aug; 18(16): 8663. Published online 2021 Aug 17. doi: 10.3390/ijerph18168663
- Author group. (2023, May 24). What psychological factors contribute to criminal behavior? SL LEGAL SERVICES. <https://sllegalservices.com/what-psychological-factors-contribute-to-criminal-behavior>
- Farrington, D. P. (1986). Age and Crime. Crime and Justice, 7,. <https://doi.org/10.1086/449114>
- Clarke, D. C., Bernard, T. J., Edge, I. D., Thomas, D. A., & Allott, A. N. (2024, May 28). Crime | Definition, History, Examples, Types, Classification, & Facts. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/crime-law>
- Elizabeth A. Martin (2003). Oxford Dictionary of Law (7 ed.). Oxford: Oxford University Press. ISBN 978-0-19-860756-4.
- Farmer, Lindsay(2008): "Crime, definitions of", in Cane and Conoghan (editors), The New Oxford Companion to Law, Oxford University Press, (ISBN 978-0-19-929054-3), <https://books.google.com/books?id=xjo5AQAAIAAJ>
- Shkedi, A. (2004). Second-order theoretical analysis: a method for constructing theoretical explanation. International Journal of Qualitative Studies in Education/QSE. International Journal of Qualitative Studies in Education, 17(5),. <https://doi.org/10.1080/0951839042000253630>
- Dryer, M. S. (2006). Descriptive theories, explanatory theories, and Basic Linguistic Theory. In De Gruyter eBooks . <https://doi.org/10.1515/9783110197693.207>
- Descriptive Decision Theory (Stanford Encyclopedia of Philosophy). (2017, September 26). <https://plato.stanford.edu/entries/decision-theory-descriptive>
- Nikhil Chopra Galimotu&Saroja Roy Grandhi&Priyanka Kacker(February 2024): THE BIG FIVE PERSONALITIES: A GENDER BASED COMPARISON BETWEEN OFFENDERS AND NON-OFFENDERS: DOI:10.13140/RG.2.2.10389.91366
- Tharshini, N. K., Ibrahim, F., Kamaluddin, M. R., Rathakrishnan, B., & Nasir, N. C. M. (2021). The Link between Individual Personality Traits and Criminality: A Systematic Review. International Journal of Environmental Research and Public Health/International Journal of Environmental Research and Public Health, 18(16), <https://doi.org/10.3390/ijerph18168663>
- Cruz, B., Lukić, N., & Strand, S. (2023). Gender perspective of Victimization, Crime and Penal Policy. In Springer textbooks in law https://doi.org/10.1007/978-3-031-14360-1_14

- Mednick, S. A., & Finello, K. M. (1983). Biological factors and crime: Implications for forensic psychiatry. *International Journal of Law and Psychiatry*, 6(1),. [https://doi.org/10.1016/0160-2527\(83\)90003-1](https://doi.org/10.1016/0160-2527(83)90003-1)
- Brennan, P. A., & Mednick, S. A. (1993). Genetic perspectives on crime. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 87(S370),. <https://doi.org/10.1111/j.1600-0447.1993.tb05357.x>
- Brennan, P. A., Mednick, S. A., & Jacobsen, B. (2007). Assessing the role of genetics in crime using adoption cohorts. *Novartis Foundation Symposium*,. <https://doi.org/10.1002/9780470514825.ch7>
- Ray, J. V., & Jones, S. (2023). Aging Out of Crime and Personality Development: A review of the research examining the role of impulsiveness on offending in middle and Late Adulthood. *Psychology Research and Behavior Management*, Volume 16,. <https://doi.org/10.2147/prbm.s391406>
- Blonigen, D. M. (2010). Explaining the relationship between age and crime: Contributions from the developmental literature on personality. *Clinical Psychology Review*, 30(1),. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2009.10.001>
- Lobonț, O., Nicolescu, A., Moldovan, N., & Kuloğlu, A. (2017). The effect of socioeconomic factors on crime rates in Romania: a macro-level analysis. *Ekonomika Istraživanja/Ekonomika Istraživanja*, 30(1),. <https://doi.org/10.1080/1331677x.2017.1305790>
- Ramirez-Thompson, E., PhD. (2023, August 31). Psychology of crime. Pressbooks. <https://cod.pressbooks.pub/criminology/chapter/psychology-of-crime>
- Reid, J. A. (2011, January 1). Crime and Personality: Personality Theory and Criminality Examined. *Inquiries Journal*. <http://www.inquiriesjournal.com/articles/1690/crime-and-personality-personality-theory-and-criminality-examined>
- Ozer, M., & Akbas, H. (2023). The relevance of personality to criminal behavior. In *IntechOpen eBooks*. <https://doi.org/10.5772/intechopen.1001836>
- Wright, J. P., & Moore, K. (2012). Personality and trait theories of crime [Dataset]. In *Oxford Bibliographies Online Datasets*. <https://doi.org/10.1093/obo/9780195396607-0100>
- Mubina Moon(2023): Social and Environmental Roots of Crime: DOI:10.13140/RG.2.2.21831.88483https://www.researchgate.net/publication/372589209_Social_and_Environmental_Roots_of_Crime_Psychology_Of_Criminal_Behavior
- Chakraborty, N. K., Upreti, P. N., & Mishra, A. (2012). Genetic & environmental influences on criminal behaviour. *ResearchGate*. https://www.researchgate.net/publication/255858699_Genetic_Environmental_Influences_on_Criminal_Behaviour

- <https://fastercapital.com/topics/the-role-of-environment-in-shaping-criminal-psychology.html>
- Edwards. (2024, May 15). The concept of crime rate: Significance and factors influencing it. Easy Sociology. <https://easysociology.com/sociology-of-crime-deviance/the-concept-of-crime-rate-significance-and-factors-influencing-it>